

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

دور باطل در هیات رئیسه

مجلس که در دوره ۵ ماه تعطیلی صحن تلاش کرد تا در قالب برگزاری جلسات و بیناری بخشی از کارکردهای خود برای نظارت را احیا کند، به خاطر موضوعاتی چون اشکالات فنی و یا به حد نصاب نرسیدن تعداد نمایندگان و از همه مهمتر خلا قانونی برگزاری جلسات مجلس در محلی غیر از پارلمان از برگزاری جلسه علنی مجازی و قانون محروم بود تا اینکه در جریان جلسه دو هفته قبل نمایندگان، این خلا قانونی برطرف شد و با تایید شورای نگهبان روز یکشنبه گذشته، اولین جلسه قانونی مجازی مجلس برگزار شد؛ با این حال همین جلسه نیز از جهت عدم رعایت مواد آئین نامه و برخی مصوبات آن انتقاداتی را به دنبال داشت.



۳

هراسی از پاسخ ایران

اظهارات محتاطانه و آمیخته با نگرانی ژلنسکی درباره احتمال واکنش ایران به حمله اوکراین علیه یک کشتی تجاری ایرانی در دریای خزر، همزمان با هشدار صریح تهران مبنی بر اینکه این اقدام «بی پاسخ نخواهد ماند»، نشان می‌دهد که کی‌یف برخلاف نمایش‌های رسانه‌ای، نسبت به پیامدهای این اقدام اطمینان خاطر ندارد. ۶



غفلت همتی از
سه برابر شدن نرخ ارز

۴

اعتراض خواننده آمریکایی
به جنگ با ایران

۸



وقتی «امنیت ملی» قربانی
بی‌سوادی راهبردی می‌شود

امیر شهشانی
روزنامه‌نگار

صفحه ۲

سیاسی

سفیر سابق ایران در لبنان: مقاومت تنها راه است

امانی سفیر سابق ایران در لبنان: اینکه آمریکا و رژیم صهیونیستی و اصولاً هرگونه کشور استکباری به تعهدات خودش عمل نکند یک اصل مسلم تاریخی است. و آنچه که می‌تواند طرف مقابل را به جای خودش بنشانند «قدرت» و «مقاومت» است.

صفحه ۵

اقتصادی

دروغ قحطی لو رفت؛ چرا کشور را ترسانند؟

یک کارشناس اقتصادی با اشاره به آمار رسمی وزارت نفت، گفت برخلاف ادعاهای مانند کمبود ارز، کاهش شدید فروش نفت و اتمام ذخایر کالاهای اساسی، ایران پیش از امضای تفاهم‌نامه با آمریکا بیش از ۱۱.۵ میلیارد دلار نفت فروخت.

یکی از بحث‌برانگیزترین پدیده‌های ماه‌ها و سال‌های اخیر، مواضع و رفتار افرادی است که پیش‌تر مسئولیت‌های مهمی در حوزه سیاست خارجی، امنیت ملی و ساختارهای تصمیم‌گیری کشور داشته‌اند؛ افرادی که اکنون نه تنها بی اعتقادی کامل خود به اصول انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی و رهبری شهید را فریاد می‌زنند، بلکه با مواضعی ساده لوحانه، گاه ضد امنیت ملی و حتی فاقد ابتدایی‌ترین مبانی علم روابط بین‌الملل، عملاً به بلندگوی روایت دشمن تبدیل شده‌اند.

متن کامل در صفحه ۳

گفتگو نوبنیاد با مجتبی امانی سفیر سابق ایران در لبنان درباره پیام راهبردی رهبر انقلاب خطاب به دبیرکل و رزمندگان حزب الله

مقاومت تنها راه است

نمانده است» و همچنین تصریح ایشان بر «دفاع از مجاهدان لبنان، سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران است» با مجتبی امانی سفیر پیشین کشورمان در لبنان گفتگو کردیم.

پیامون پیام اخیر رهبر معظم انقلاب که در پاسخ به نامه دبیرکل و رزمندگان حزب الله صادر شد و تأکید ایشان مبنی بر این نکته که در برابر جبهه استکباری «راهی جز جهاد و مقاومت، پیش رو



امیرحسین درکی
روزنامه نگار

جمهوری اسلامی ایران است به هیچ وجه نباید به دشمن داده شود و تلاش ما باید این باشد که دستاوردهای میدان را بتوانیم از هر طریقی نقد کنیم. و اگر غیر این باشد هرگونه مذاکره و دیپلماسی بیفایده و بی ثمر خواهد بود.

با توجه به تأکید رهبر انقلاب مبنی بر حمایت قاطع جمهوری اسلامی ایران از لبنان و تصریح ایشان به این نکته که «دفاع از مجاهدان لبنان، سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران است» اهمیت این تأکید از چه چیزی ناشی می شود؟

به اعتقاد بنده جمهوری اسلامی ایران توانست بعد از جنگ ۱۲ روزه زمینی‌هایی برای وحدت جبهه مقاومت فراهم کند و این را توانست در جنگ ۴۰ روزه تثبیت کند. و حمایت جمهوری اسلامی ایران از لبنان در همین راستا است. صرف نظر از اینکه تفاهم نامه اخیر با بدعهدی طرف آمریکایی همراه بود و اجرا نشد، تأکید همواره کشورمان بر حمایت از لبنان و قید آن در تفاهم نامه که به امضای رئیس جمهور آمریکا رسید حاکی از اهمیت لبنان و وحدت ساحات جبهه مقاومت برای ایران و اعتراف طرف آمریکایی به این وحدت جبهه مقاومت و لاینفک بودن لبنان از آن است.

دشمن در تفاهم نامه اخیر به ویژه شرط لبنان و برقراری آتش، به نظر شما آیا مسیری برای دیپلماسی باقی می ماند؟

اینکه آمریکا و رژیم صهیونیستی و اصولاً هرگونه کشور استکباری به تعهدات خودش عمل نکند یک اصل مسلم تاریخی است. و آنچه که می تواند طرف مقابل را به جای خودش بنشانند «قدرت» و «مقاومت» است. و این موضوع هرچقدر بیشتر باشد، طرف مقابل را از زیاده خواهی باز میدارد و بالعکس اگر توام با ضعف باشد طرف مقابل جری ترو خواسته هایش بیشتر می شود. طبیعت و خوی آمریکا و اسرائیل تجاوزگری و بدعهدی است و آنچه که باید در واقع بدان توجه کرد در واقع هماهنگی میدان و دیپلماسی برای تفهیم طرف مقابل از قدرت ایران است.

از ابتدای انقلاب اسلامی تلاش و روش دشمنان کشورمان این بوده است که ما را از عناصر قدرت اعم از نظامی و پشتوانه مردمی از طرق مختلف بویژه گفتگوها و فشارهای سیاسی تهی کنند. بنابراین ما نباید مجالی به طرف خارجی بدسیم تا او بتواند از طریق تحمیل شرایط و وعده های فریب آمیز، ما را از عناصر قدرت خودمان «نظامی، جغرافیای سیاسی، پشتوانه مردمی» دور کند. دادن امتیازات راهبردی که مایه قدرت

متن کامل گفتگو به شرح زیر است:

رهبر انقلاب اسلامی در پیام اخیرشان فرمودند «راهی جز جهاد و مقاومت باقی نمانده است» ارزیابی شما از این فرمایش چیست؟

این فرمایش ناظر به شناخت ایشان به ماهیت و ذات رژیم صهیونیستی و آمریکا است. چراکه پایه ها و ارکان این رژیم بر مبنای تجاوزگری، ظلم و ستم بنا شده و اسرائیل از آغاز تشکیل تاکنون تلاش داشته که برای رسیدن به اهداف خود با روش های غیرانسانی موقعیت خود را تثبیت کند. و مردم لبنان تجاوزگری، کشتار و ستم رژیم اشغالگر را به خوبی درک کرده اند. بنابراین بیانات رهبر انقلاب نشان دهنده آگاهی ایشان از منطقه و به خصوص لبنان و مردم لبنان است. و اینکه فرمودند «راهی جز جهاد و مقاومت باقی نمانده است» ناظر به این نزاع تاریخی و نبرد سرنوشت ساز است.

با توجه به تجربه بدعهدی های آمریکا در قبال ایران و لبنان که برای چندمین بار از اول جنگ ۱۲ روزه تاکنون تکرار شده است و همچنین نقض گسترده تعهدات قید شده

دانشگاه

۱۲ هزار استاد دانشگاه: صلح پایدار با مقاومت محقق می شود

بیش از ۱۲ هزار نفر از اساتید دانشگاه های کشور در نامه ای به دعوت سازمان بسیج اساتید، با تأکید بر راهبرد «آری به دفاع و نه به تسلیم»، این رویکرد را مسیر دستیابی به صلح پایدار، حفظ وحدت ملی و مقابله با تهدیدهای خارجی دانستند و بر ادامه ایستادگی ملت ایران در برابر فشارها و تجاوزات تأکید کردند. مفاد مهم نامه به شرح زیر است:

ما راهبرد منطقی و عقلانی «آری به دفاع و نه به تسلیم» را به پیروی از شما ملت مبعوث برگزیده ایم که نتیجه آن یقین پیروزی و سربلندی ملت ایران، تحقق صلح پایدار و ظهور ابرقدرتی منطقه ای و جهانی خواهد بود و اجازه ندهد اپستینی های کودک کش برای ادامه حکومت ظالمانه خویش تعهدات خود را نقض و به دنبال جنگ تحمیلی و صلح تحمیلی باشند.

با لبیک به فرمان ولی امر مسلمین جهان در پای بندی به اتحاد مقدس و وحدت ملی به عنوان رمز پیروزی اسلام و ایران، از همه دلسوزان کشورمان انتظار داریم تا به تفرقه و اختلاف به هر بهانه ای پایان داده و اجازه ندهند شیطان بزرگ با جنگ شناختی و خلوت کردن خیابان ها، به ادامه جنگ و بی ثبات سازی داخلی امید پیدا کند.

با لحنی بسیار شدید و خشمی مقدس ادامه جنایات اخیر آمریکا در حمله به اماکن مدنی، مراکز هسته ای و زیرساخت های کشورمان را محکوم و آنرا نشانه ای بر استیصال و خباثت این رژیم تروریست کودک کش دانسته و اعلام می داریم که آزموده را آزمودن خطاست و ملت ایران نشان داده تسلیم شدن در قاموس فرهنگ ایران ترجمانی ندارد.

خبر کوتاه

بازدارندگی واقعی، تنها با تحمیل هزینه سنگین به دشمن محقق خواهد شد

سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی در اجتماع جان فدیایان میدان فردوسی تهران اظهار داشت: اگر دشمن بداند تجاوز، جنایت و تعرض به ملت ایران بدون هزینه نخواهد بود، جرئت تکرار آن را از دست می دهد. وی افزود: تحقق این بازدارندگی، در گرو همدلی ملی، مقاومت و حضور مستمر مردم در صحنه است.

دادستانی تهران علیه یک نماینده اسبق مجلس و یک رسانه اعلام جرم کرد

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: پس از انتشار اظهارات یک نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی که دوره ای ریاست کمیسیون امنیت ملی را در زمان نمایندگی اش برعهده داشت، دادستانی تهران علیه این فرد اعلام جرم کرد. برای فرد مورد اشاره و همچنین رسانه منتشر کننده پرونده قضایی تشکیل شده است و به زودی با حضور در مرجع قضایی تفهیم اتهام خواهد شد.

سازندگی

فتاح: ستاد اجرایی برای بازسازی آسیب دیدگی های پسا جنگ آماده است

سید پرویز فتاح، رئیس ستاد اجرایی فرمان امام، در گزارشی از اقدامات میدانی این ستاد، از هماهنگی مستقیم با وزرا و استانداران چهار استان جنوبی برای حل مشکلات ناشی از جنگ خبر داد. او با تأکید بر اینکه «ما در شرایط جنگی قرار داریم»، از اقدامات ضربتی ستاد همچون اعزام تانکرهای آب به مناطق جنوبی و برنامه ریزی برای بازسازی زیرساخت ها در دوران پسابحران پرده برداشت. وی همچنین اظهار داشت: پل های آسیب دیده، کسب و کارها، جزایر، حل مشکل کمبود دارو از طریق واردات و تولید، جزو اولویت های ستاد اجرایی فرمان امام در زمان جنگ بوده است. وی در ادامه تأکید کرد: ستاد فرمان اجرایی به گونه ای برنامه ریزی کرده است که در کنار دولت باشد. رئیس ستاد اجرایی فرمان امام همچنین تأکید کرد: ما برای بازسازی آسیب دیدگی ها در پسا جنگ در حال برنامه ریزی هستیم. فتاح همچنین به حمایت های ستاد از گروه های جهادی و داوطلب مردمی در سراسر کشور اشاره و تصریح کرد که از چندین هزار گروه جهادی حمایت تاکنون حمایت شده است.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام در ادامه به ارائه خدمات سامانه ۴۰۳۰ با همکاری هلال احمر اشاره کرد و تصریح داشت که تاکنون به بیش از ۲۰۰ هزار نفر از طریق این سامانه خدمات رسانی صورت گرفته است.



نجات: در نقطه برتری راهبردی چرا به دشمن فرصت می‌دهید؟



روح‌النجابت عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نوشت: تصمیم‌سازان عرصه امنیت ملی باید

برای مردم توضیح دهند که چرا وقتی در نقطه برتری راهبردی هستیم، با پذیرش آتش بس به دشمن فرصت تنفس می‌دهند؟ آرام کردن بازارهای جهانی و دادن فرصت تجدید قوا به دشمن، در واقع پیش‌خرید یک غافلگیری تلخ برای آینده‌ای نزدیک است. آقایان تصمیم‌گیر! تجربه ثابت کرده است که صلح واقعی هرگز از دل «دیپلماسی التیامی» که موقت و ناپایدار است متولد نمی‌شود؛ بلکه امنیت پایدار، نتیجه قطعی مقاومت و اجرای راهبرد «پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده» است. تغییر موازنه قدرت به نفع منافع ملی، نیازمند عبور شجاعانه از این چرخه‌های تکراری و

بی‌حاصل است. تا چه زمان باید از یک سوراخ گزیده شویم؟ هرگاه نشانه‌های ضعف در جبهه دشمن آشکار می‌شود، حربه «آتش بس موقت» به میدان می‌آید و ما با پذیرش شتاب‌زده آن، فرصت طلایی بازسازی و تنفس را به دشمنی هدیه می‌دهیم که تنها هدفش نابودی ایران است. چرا به محض آنکه دشمن دچار چالش می‌شود، مجدداً زرمزه‌های مذاکره و رها کردن اهرم‌های فشار به گوش می‌رسد؟ این چرخه معیوب باید متوقف شود. مسیر صلح پایدار، از الان توافق‌های شکننده نمی‌گذرد.

پس از ۵ ماه تعطیلی صحن، برگزاری جلسه مجازی مجلس انتقادبرانگیز شد؛ از نقض قانون علنی بودن تا حواشی لایحه مقابله با جنایات بین‌الملل

دور باطل در هیات رئیسه

روز گذشته نخستین جلسه علنی مجازی مجلس شورای اسلامی به صورت قانونی برگزار شد. پارلمان که در دوره ۵ ماه تعطیلی صحن تلاش کرد تا در قالب برگزاری جلسات و بیناری بخشی از کارکردهای خود برای نظارت را احیا کند، به‌خاطر موضوعاتی چون اشکالات فنی و یا به حد نصاب نرسیدن تعداد نمایندگان و از همه مهم‌تر خلا قانونی برگزاری جلسات مجلس در محلی غیر از پارلمان از برگزاری جلسه علنی مجازی و قانون محروم بود تا اینکه در جریان جلسه دو هفته قبل نمایندگان، این خلا قانونی برطرف شد و با تأیید شورای نگهبان روز یکشنبه گذشته، اولین جلسه قانونی مجازی مجلس برگزار شد؛ با این حال همین جلسه نیز از جهت عدم رعایت مواد آئین‌نامه و برخی مصوبات آن انتقاداتی را به دنبال داشت.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

نخستین انتقاد به هیات رئیسه، دستورکار مجلس پس از ۵ ماه تعطیلی بوده است. در شرایطی که با توجه به شرایط جنگی کشور و فشارهای مضاعف آمریکا برای بازگشایی غیرقانونی تنگه هرمز، انتظار می‌رفت تا قانون ترتیبات جدید مدیریت ایران بر تنگه هرمز در دستورکار نمایندگان قرار گیرد، این مهم محقق نشد. این در حالی است که طی چند ماه اخیر بسیاری از نمایندگان مجلس، کمیسیون‌های تخصصی و حتی مرکز پژوهش‌های مجلس درگیر این موضوع و از نهایی‌سازی طرح جدید مدیریت ایران بر تنگه هرمز گفته بودند.

از سوی دیگر در حالی که طبق قانون باید جلسات صحن مجلس به صورت زنده توسط رادیو و رسانه‌ها پخش شود، جلسات مجازی صحن مجلس به صورت زنده از طریق رسانه‌ها پخش نمی‌شود و از جمله جلسه روز یکشنبه با ۲۴ ساعت تاخیر در روز دوشنبه از شبکه خبر پخش شد. این در حالی است که در اصل ۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود». علنی بودن جلسات صحن نیز ناظر به حضور اصحاب رسانه و همچنین پخش زنده جلسه صحن از رادیو یا تلویزیون است؛ همچنانکه رویه چند ده سال اخیر جلسات علنی مجلس اینگونه بوده است اما در دو جلسه اخیر صحن این امر محقق نشد.

علاوه بر اینها مصوبه اخیر مجلس انتقاداتی را به دنبال داشت. نمایندگان

در نشست علنی دیروز مجلس که به صورت ویناری برگزار شد، در جریان رسیدگی به لایحه یک فوریتی مقابله با جنایات بین‌الملل» ماده ۴ و ۵ این لایحه را به تصویب رساندند. براساس ماده ۴ این لایحه؛ ارتکاب هریک از رفتارهای زیر در چارچوب یک حمله یا تعرض علیه هر جمعیت غیر نظامی به صورت

گسترده یا سازمان‌یافته و در راستای پیشبرد یک برنامه و سیاست عمومی وبا علم به حمله گسترده یا سازمان‌یافتگی آن، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود و مرتکب و آمر در مورد بند (۱) این ماده، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه (۱) و در مورد سایریندها و تبصره، به مجازات حداکثر حبس و جزای نقدی درجه (۲) محکوم خواهند شد؛ از جمله این رفتارها، قتل عمدی، تجاوز جنسی و... اعلام شده است. میثم ظهوریان نماینده مجلس در واکنش به این مصوبه نوشت: امروز در جلسه مجازی مجلس لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی در حال بررسی است. نتیجه کپی برداری و ترجمه قوانین کشورهای دیگر در تدوین لایحه مذکور در دولت این شده است که براساس مواد ۳ و ۴ آن مرتکبین و آمرین جنایاتی مانند قتل دسته جمعی و تجاوز، برده‌داری و... نیز نهایتاً به حبس و جزای نقدی درجه یک یا دو محکوم می‌شوند و به راحتی اصل قرآنی قصاص در آن زیر سوال رفته است.

اعتراض رسایی به حاجی بابایی

در جریان جلسه علنی روز (دوشنبه، ۵ مردادماه) مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام حمید رسایی، نماینده



مردم تهران در تذکری خطاب به حمیدرضا حاجی بابایی، رئیس جلسه، گفت: طبق اعلام معاونت قوانین، جلسه شماره ۱۷۳ مربوط به آخرین جلسه مجلس پیش از وقایع اخیر بوده و پس از آن جلسه ۱۷۴ و امروز نیز جلسه ۱۷۵ برگزار شده است. سؤال من این است که آقای حاجی بابایی، شما در کدام جلسه مجلس به عنوان عضو هیئت رئیسه سوگند یاد کردید؟ زیرا طبق شماره جلسات اعلام شده، این سوگند نه در جلسه ۱۷۲، نه در جلسه ۱۷۳، نه در جلسه ۱۷۴ و نه در جلسه ۱۷۵ انجام شده است. رسایی افزود: مطابق قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس، اعضای هیئت رئیسه باید در جلسه مجلس انتخاب شده و در همان چارچوب نیز سوگند یاد کنند. بنابراین انتظار می‌رود مشخص شود این سوگند در کدام جلسه مجلس انجام شده است. در ادامه، حمیدرضا حاجی بابایی که ریاست جلسه علنی را بر عهده داشت، در پاسخ به این تذکرات اظهار کرد: زمانی که جلسه علنی مجلس تشکیل می‌شود، آن جلسه رسمی است؛ اما برای ادای سوگند، الزامی به برگزاری جلسه رسمی وجود ندارد و در آیین‌نامه تصریح شده که سوگند باید در حضور نمایندگان انجام شود.

گزارش کوتاه

لیلاز: ربط دادن تنش با آمریکا به

شعار مرگ بر آمریکا ساده‌لوحانه است

روز گذشته سعید لیلاز، فعال سیاسی اصلاح طلب طی گفتگویی در برنامه اینترنتی «رک» درباره حمله ارتش تروریستی آمریکا گفت: خیلی ساده‌لوحی است که فکر کنیم آمریکا بخاطر شعار مرگ بر آمریکا به ایران حمله کرده است. وی افزود: من تعجب می‌کنم از دوستان اصلاح طلب که مصدق یا علینقی عالیخانی را بخاطر ملی کردن صنعت نفت و آوردن فولاد به کشور می‌پرستند اما با غنی‌سازی اورانیوم مخالفند. در حالیکه غنی‌سازی خیلی مهم‌تر است. لیلاز ر ادامه به بدعهدی آمریکایی‌ها اشاره و اظهار داشت: در صورتی که اورانیوم به آمریکایی‌ها داده شود، معتقدم سرسوزنی در اراده آمریکا در قبال ایران تغییر نمی‌کند. او افزود: ترامپ در مصاحبه با فاکس نیوز اظهار داشته است که اگر ایرانی‌ها اورانیوم خود را تحویل بدهند هیچ گونه پولی بابت آن به آنها نمی‌دهیم! و حتی اگر به رادیو دارو نیاز داشته باشند به آن‌ها کمکی نخواهیم کرد. لیلاز در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: آمریکایی‌ها به دنبال به زانو درآوردن و تسلیم ایران هستند و تا به این خواسته نرسند دست از سرما بر نمی‌دارند. لیلاز در پایان تأکید کرد که آنها به این جمع بندی رسیدند که اگر تا سال ۲۰۲۶ موفق به تسلیم ایران نشوند دیگر موفق نخواهند شد.

خبر کوتاه

حجت‌الاسلام قمی: اهالی رسانه علم خون‌خواهی را در اربعین حسینی بلند کنند

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی طی سخنانی با بیان اینکه وحدت باید حول خواسته ولی خدا باشد اظهار داشت: خواسته رهبر ما خون‌خواهی است؛ از خون رهبران خواهیم گذشت وی در همین راستا خطاب به اهالی رسانه تأکید کرد: اهالی رسانه باید علم خون‌خواهی را در اربعین حسینی بلند کنند.

عزیزی: ایران اقدامات علیه خود را بدون پاسخ نخواهد گذاشت

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در حساب کاربری خود در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: هرگونه حمله به ایران همیشه هزینه‌ای دارد و این موضوع همچنان تا امروز صادق است. وی افزود: ایالات متحده و اسرائیل به خوبی از این موضوع آگاه هستند. او کریین نیز احتمالاً به زودی متوجه خواهد شد که ایران اقدامات علیه خود را بدون پاسخ نخواهد گذاشت. او تصریح کرد: لیست کسانی که در محاسبات خود اشتباه کرده‌اند، همچنان در حال افزایش است.

ثبت بیش از ۳۰۲ هزار دادخواست علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی

رئیس کل دادگستری استان تهران از ثبت بیش از ۳۰۲ هزار دادخواست مطالبه خسارت معنوی علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی خبر داد.

هلاکت ۴ نفر از اعضای گروهک تروریستی پژاک در نوار مرزی بانه

سردار «سعید منتظرالمهدی سخنگوی فراجا اعلام کرد: مرزبانان هنگ مرزی با همکاری اطلاعاتی و عملیاتی سربازان گمنام امام زمان (عج) در شهرستان بانه و رصد دقیق تحرکات مرزی، از ورود یکی از عناصر اصلی و کلیدی گروهک تروریستی پژاک به کشور مطلع شده و بلافاصله اقدامات عملیاتی برای دستگیری و مقابله با این تیم تروریستی را در دستور کار قرار دادند. وی افزود: ماموران در این عملیات و حین پایش منطقه و رصد تردها، یک دستگاه خودروی سمند حامل اعضای این تیم تروریستی را شناسایی کردند که در پی درگیری مسلحانه میان مرزبانان غیور و این عناصر متجاوز، ۴ تن از اعضای گروهک پژاک به هلاکت رسیدند.

وعدۀ جدید دولت؛ مطالبات کالا برگ به زودی تسویه می‌شود



طرح کالا برگ الکترونیکی با هدف حمایت از معیشت خانوارها و تسهیل دسترسی مردم به کالاهای اساسی اجرا شده است، اما در یک ماه گذشته تأخیر در پرداخت مطالبات فروشگاه‌ها، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های این طرح تبدیل شده است. بسیاری از فروشگاه‌ها با توجه به مصوبه دولت برای تسویه ۷۲ ساعته از سوی دولت، کالاهای مورد نیاز مردم را در قالب کالا برگ عرضه کرده‌اند، اما اکنون با گذشت بیش از ۴۰ روز، هنوز بخش قابل توجهی از مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند. این موضوع موجب کمبود نقدینگی، کاهش توان خرید مجدد کالا و بروز مشکلاتی برای ادامه همکاری برخی واحدهای صنفی با طرح کالا برگ شده است. یعقوب اندایش معاون رفاه و زیر-تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده است که بخشی از تأخیرها ناشی از کسری

منابع در پرداخت‌های خرد ماه بوده که با حدود یک هفته تأخیر انجام شده است. او تأکید کرد: تا ۲۵ تیرماه تمام مطالبات فروشگاه‌های طرف قرارداد کالا برگ تسویه شد. در همین حال، فارس به نقل از یکی از مغازه‌داران سیستان و بلوچستان نوشت که او ۶۰۰ میلیون تومان از دولت بابت کالا برگ طلب دارد، اما تنها ۱۴ میلیون تومان برایش واریز شده است. این فروشنده می‌گوید: «چند بار گفتند بانک‌ها مشکل دارند و فعلاً نمی‌توانیم واریز کنیم. من روغنی را که به مردم فروختم نقدی خریدم و حالا پولی برای خرید دوباره روغن ندارم.» همچنین یکی دیگر از فروشندگان در اهواز اعلام کرده است: «از ۲۵۰ میلیون تومان طلب من فقط ۸۰ میلیون تومان واریز شده و مطالباتم از ۲۳ خرداد تاکنون باقی مانده است. وزارت رفاه هم می‌گوید مدتی دیگر صبر کنید

چون منابع کافی وجود ندارد.» یکی از مغازه‌داران بوشهر نیز با اشاره به اینکه حدود ۴۰۰ میلیون تومان از دولت طلبکار است، گفته است که از مطالباتش تنها ۱۰ میلیون تومان هفته گذشته و ۱۳ میلیون تومان روز گذشته پرداخت شده و بخش عمده بدهی همچنان تسویه نشده است.

در همین زمینه، عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی در گفت‌وگو با تسنیم درباره برنامه دولت برای حل مشکل پرداخت مطالبات فروشگاه‌های متصل به کالا برگ اظهار کرد: موضوع عدم تسویه به موقع مطالبات فروشگاه‌ها عصر روز یکشنبه در ستاد اقتصادی دولت مطرح شد و با تدبیر رئیس جمهور مقرر شد کسری منابع پیشین طرح کالا برگ از محل دیگری تأمین شود تا مطالبات فروشگاه‌ها هرچه سریع‌تر تسویه شود.

بررسی سیاست‌های بانک مرکزی دولت چهاردهم نشان می‌دهد؛

غفلت همتی از سه برابر شدن نرخ ارز

بانک مرکزی از آغاز دور تازه‌ای از سیاست‌های انقباضی، افزایش نسبت سپرده قانونی بانک‌ها، کنترل ترازنامه شبکه بانکی و هدایت اعتبار به سمت تولید سخن می‌گوید اما پرسش اصلی این است که آیا این ابزارها در شرایطی که سیاست ارزی دولت خود به یکی از مهم‌ترین محرک‌های تورم تبدیل شده، توان تغییر مسیر اقتصاد را دارند یا خیر؟

قدرت کمتری برای اعطای تسهیلات و خلق اعتبار خواهند داشت و در نتیجه سرعت رشد نقدینگی کاهش می‌یابد. این ابزار در ادبیات اقتصادی کاملاً شناخته شده و در بسیاری از کشورها نیز استفاده می‌شود. اما پرسش اصلی آن است که آیا در اقتصاد ایران، که منشأ تورم صرفاً شبکه بانکی نیست، این ابزار می‌تواند به تنهایی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند؟ واقعیت آن است که سپرده قانونی تنها یکی از مسیرهای خلق پول را محدود می‌کند. اگر دولت همچنان با کسری بودجه، رشد هزینه‌ها، سیاست‌های ارزی تورم‌زا و تکالیف حمایتی بر شبکه بانکی مواجه باشد، افزایش سپرده قانونی بیش از آنکه درمان باشد، به یک ترمز موقت تبدیل خواهد شد.

خطر انقباض برای تولید

همتی در نشست اخیر اقتصاددانان تأکید کرد که حمایت از تولید باید «بدون تشدید پایه پولی» انجام شود. بر همین اساس، بانک مرکزی توسعه ابزارهایی مانند تأمین مالی زنجیره‌ای، اوراق گام و برات الکترونیکی را در دستور کار قرار داده است تا نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش از مسیرهای کم‌هزینه‌تر تأمین شود. اصل این سیاست قابل دفاع است، اما مسئله آنجاست که همزمان با محدود شدن منابع آزاد بانک‌ها، هزینه تأمین مالی نیز افزایش پیدا می‌کند. در شرایطی که بسیاری از واحدهای تولیدی با جهش هزینه مواد اولیه، افزایش نرخ ارز و کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان روبه‌رو هستند، محدود شدن دسترسی به تسهیلات بانکی می‌تواند فشار مضاعفی بر بخش واقعی اقتصاد وارد کند. اگر بانک‌ها برای جبران افزایش سپرده قانونی، نخستین اقدام خود را کاهش تسهیلات تولیدی قرار دهند، نتیجه سیاست ضد تورمی بانک مرکزی می‌تواند تشدید رکود باشد.

تجربه دو سال اخیر اقتصاد ایران نشان داده که سیاست ارزی دولت نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری موج‌های تورمی داشته است. افزایش نرخ ارز از ۳۹ هزار تومان تا محدوده بیش از ۱۵۱ هزار تومان، هزینه تولید، نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش و هزینه‌های دولت را به شکل محسوس‌تری افزایش داده و خود به محرکی برای رشد نقدینگی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، افزایش سپرده قانونی و سایر ابزارهای انقباضی بانک مرکزی اگرچه می‌تواند سرعت رشد نقدینگی را کاهش دهد، اما تا زمانی که سیاست‌های ارزی و مالی در همان مسیر گذشته حرکت کنند، بعید است به تنهایی بتوانند روند تورم را معکوس کنند.



نیماسهیلی
روزنامه نگار

اظهارات اخیر عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، نشان می‌دهد سیاست‌گذار پولی تلاش دارد محور سیاست‌های خود را بر «کنترل تورم و انتظارات تورمی هم‌زمان با جلوگیری از رکود و منفی شدن رشد اقتصادی» متمرکز کند. همتی تأکید کرده که «حمایت از بخش مولد و کارآفرینان باید بدون تشدید پایه پولی و به صورت کاملاً هدایت‌شده انجام می‌شود» و یکی از ریشه‌های اصلی تورم را «ناترازی برخی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری» دانسته است. این رویکرد از منظر نظری قابل دفاع است، اما از بابتی موفقیت آن بدون توجه به عملکرد کلی دولت در حوزه سیاست ارزی، بودجه‌ای و مالی، تصویری ناقص از واقعیت اقتصاد ایران ارائه خواهد داد.

تغییر مسیر تورم و بازگشت موج گرانی

دولت چهاردهم در شرایطی فعالیت خود را از شهریور ۱۴۰۳ آغاز کرد که بسیاری از شاخص‌های پولی و تورمی نسبت به سال‌های قبل روند رو به بهبود را تجربه می‌کردند. نرخ تورم سالانه در مسیر نزولی قرار داشت و در آستانه رسیدن به کانال ۲۰ درصدی قرار داشت. از سوی دیگر، دولت سیزدهم که رشد نقدینگی را که در میانه سال ۱۴۰۰ در ارقام بالای ۴۰ درصد تحویل گرفته بود، در پایان فعالیت خود به حدود ۲۷ درصد رساند. نسخه اقتصادی دولت چهاردهم برای حل ناترازی‌ها اما از همان ماه‌های ابتدایی استقرار، بیش از هر چیز بر اصلاحات قیمتی و خصوصاً افزایش نرخ ارز استوار شد؛ تصمیمی که آثار آن به سرعت در شاخص‌های تورمی نمایان شد. نخستین گام، افزایش نرخ ارز نیمايي از محدوده ۳۹ هزار تومان به حدود ۴۵ هزار تومان در پاییز ۱۴۰۳ بود. اندکی بعد نیز باره‌اندازی بازار توافقی، نرخ ارز از محدوده ۴۵ هزار تومان به حوالی ۶۰ هزار تومان در ابتدای زمستان همان سال رسید. همین تغییرات کافی بود تا روند نزولی تورم ماهانه و نقطه‌ای متوقف شود و بار دیگر شاخص‌های قیمتی مسیر صعودی در پیش بگیرند. تورم سالانه نیز از اردیبهشت ۱۴۰۴ وارد روند افزایشی شد.

جهشی که هزینه تولید را چند برابر کرد

سیاست افزایش نرخ ارز به همان نقطه متوقف نشد. دولت چند روز پس از تغییر مدیریت بانک

بانک مرکزی باید مانع جهش نرخ ارز شود

جبار کوچکی‌نژاد، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، در شرایط فعلی اقتصاد کشور، کنترل و مدیریت نرخ ارز یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه کوچک‌ترین نوسان در بازار ارز، آثار مستقیم خود را بر قیمت کالاهای اساسی، مواد اولیه، هزینه تولید و در نهایت، معیشت مردم نشان می‌دهد. هرگونه افزایش بی‌ضابطه نرخ ارز، علاوه بر کاهش قدرت خرید خانوارها، موجب افزایش هزینه تمام‌شده تولید، تشدید تورم و بی‌ثباتی در فضای کسب‌وکار می‌شود. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذار نیز نمی‌تواند برای آینده فعالیت اقتصادی خود برنامه‌ریزی کند و این مسئله به کاهش سرمایه‌گذاری و افت تولید منجر خواهد شد. بانک مرکزی باید با استفاده از همه ابزارهای پولی، ارزی و نظارتی، از ایجاد نوسانات هیجانی در بازار جلوگیری کند.

تالار شیشه‌ای

سبزپوشی ۳۱ صنعت در بازار سهام

بازار سهام دیروز (دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵) در روز میانی هفته، با برتری نسبی خریداران سبزپوش ماند؛ به‌طوری‌که در آغاز معاملات، ۸۷ درصد نمادهای معاملاتی مثبت شدند. البته در پایان دادوستدها، تعداد نمادهای سبزپوش به ۷۴ درصد رسید. شاخص کل بورس تهران ۰.۹۹ درصد رشد کرد و در کانال ۵ میلیون واحد ماندگار شد. دیروز میانگین بازده شاخص صنایع به ۱.۱۴ درصد رسید و ۳۱ صنعت بازار سهام سبزپوش شدند. در این میان، صنایع فنی و مهندسی، سایر معادن و انتشار و چاپ، بیشترین رشد روزانه را ثبت کردند. ارزش معاملات خرد روز گذشته به ۳۰ هزار و ۷۵۲ میلیارد تومان رسید. ورود پول توسط حقیقی‌ها که روز یکشنبه حدود ۶.۹ همت بود، دیروز افت کرد و ۸۰ میلیارد تومان ثبت شد. بخش سهام بیش از ۹۳۰ میلیارد تومان پول خرد جذب کرد، اما صندوق‌های سهامی با خروج حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان مواجه شدند. بیشترین ورود پول حقیقی به صنایع فرآورده‌های نفتی، مواد شیمیایی و تولید کود و ترکیبات نیتروژن اختصاص پیدا کرد. در میان گروه‌های صنعتی، بانکی‌ها بیشترین توجه را به خود جلب کردند. ارزش معاملات گروه بانکی ۲۲۷۸ میلیارد تومان اعلام شد. این گروه همچنین از نظر حجم معاملات نیز در صدر قرار گرفت و بار دیگر نقش لیدر نقدشوندگی بازار را ایفا کرد. گروه محصولات شیمیایی با ارزش معاملات ۱۶۶۰ میلیارد تومان و گروه فرآورده‌های نفتی با ارزش معاملات ۱۵۷۲ میلیارد تومان، از دیگر گروه‌های اثرگذار و پرگردش بازار بودند. این ترکیب نشان می‌دهد موتور اصلی بازار دیروز در اختیار صنایع بزرگ، اثرگذار و نقدشونده قرار داشته است.

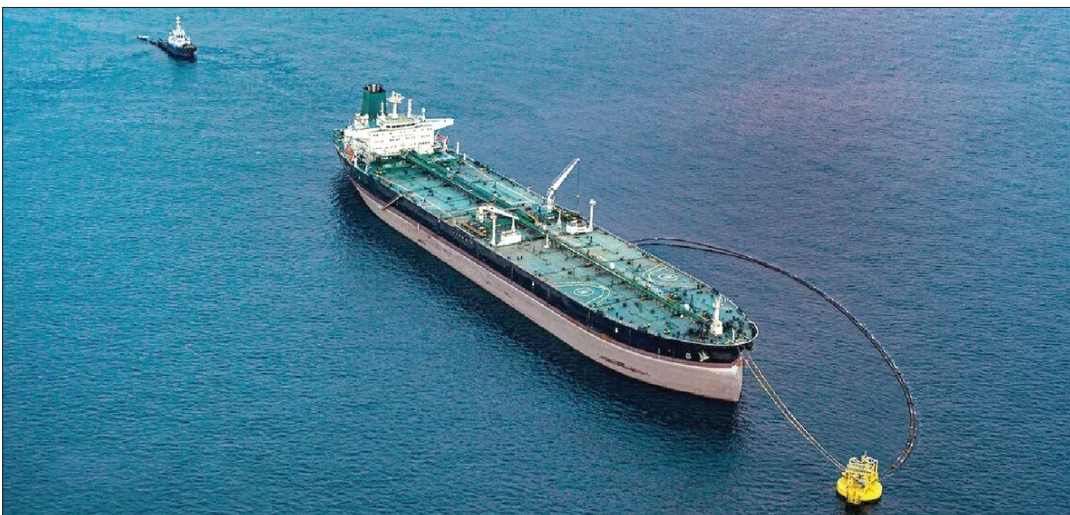
مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس در محدوده ۲۵۱ هزار میلیارد تومان قرار گرفت. ارزش بازارهای سهام ایران شامل بورس، بازار پایه و فرابورس نیز بار دیگر به ۱۷ هزار و ۱۳۷ هزار میلیارد تومان رسید. شاخص کل بورس تهران ۴۹ هزار و ۷۱۳ واحد رشد (۰.۹۹ درصد) در ارتفاع ۵ میلیون و ۵۲ هزار و ۴۳ واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن ۱۴ هزار و ۸۶۳ واحد (۱.۰۷ درصد) رشد کرد و به یک میلیون و ۴۰۸ هزار و ۳۶۶ واحد رسید. شاخص کل فرابورس ایران نیز با رشد ۴۲۰ واحدی، معادل ۱.۱ درصد، در محدوده ۴۰ هزار و ۲۰۸ واحد قرار گرفت. معاملات صندوق‌های طلا با نوسان مثبت ۱.۵ تا ۲ درصد آغاز شد و ۴۹۵ میلیارد تومان پول خرد را جذب کرد. صندوق‌های نقره نیز در محدوده ۱.۵ تا ۳ درصد قرار داشتند که به جذب ۴۴ میلیارد تومان پول خرد منجر شد.

در گفت‌وگو با نوبید مطرح شد؛

دروغ قحطی لورفت؛ چرا کشور را ترساندند؟

یک کارشناس اقتصادی با اشاره به آمار رسمی وزارت نفت، گفت برخلاف ادعاهای مانند کمبود ارز، کاهش شدید فروش نفت و اتمام ذخایر کالاهای اساسی، ایران پیش از امضای تفاهم‌نامه با آمریکا بیش از ۱۱.۵ میلیارد دلار نفت فروخته و ۳۸ درصد درآمد

نفتی بودجه امسال را محقق کرده بود. به گفته او، ذخایر نفت ایران روی آب و میزان کالاهای اساسی نیز نشان می‌دهد طرح برخی مسائل برای امضای تفاهم‌نامه بیش از آنکه واقعی باشد، یک توجیه سیاسی بود.



حمید کمار

روزنامه نگار

جنگی حاکم بر کشور، به دست آمده است. در چهار ماه نخست سال ۱۴۰۵، درآمد نفتی ۷.۵ میلیارد دلاری وصول شد؛ رقمی که در چهار ماه نخست سال گذشته کمتر از ۵ میلیارد دلار بود.

تحقق ۳۸ درصد درآمد نفتی بودجه

سید مصطفی موسوی نژاد، کارشناس مسائل اقتصادی، در گفت‌وگو با نوبید، با اشاره به امضای تفاهم‌نامه خاتمه جنگ بین مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ، گفت: یکی از نکاتی که درباره تفاهم‌نامه بسیار روی آن مانور داده می‌شد، این بود که درآمدهای نفتی کشور به شدت کاهش یافته، امکان فروش نفت وجود ندارد و درآمدهای کشور با مشکل مواجه شده است. پرداخت حقوق با دشواری همراه بود، ارز کافی برای صادرات و واردات در دسترس نبود و مجموعه این مسائل به موضوع فروش نفت و محاصره دریایی گره خورده بود. در واقع گفته می‌شد علت همه این مشکلات، محاصره و محدودیت در فروش نفت است. او افزود: نخستین نکته‌ای که باید به آن اشاره شود، این است که پیش از امضای تفاهم‌نامه، ۱۱.۵ میلیارد دلار نفت فروخته شده بود که این میزان معادل ۳۸ درصد کل درآمد نفتی پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال ۱۴۰۵ است. تفاهم‌نامه ۲۸ خردادماه امضا شد؛ یعنی در شرایطی که ۲۵ درصد از سال سپری شده بود و حتی یک چهارم سال نیز به پایان نرسیده بود، بیش از یک‌سوم درآمدهای نفتی کشور که برای امسال پیش‌بینی شده بود، محقق شده بود.

این کارشناس اقتصادی گفت: علاوه بر این، در همان مقطع که هنوز تفاهم‌نامه‌ای امضا نشده بود و شرایط جنگی برقرار بود، قیمت نفت در سطح بالایی قرار داشت و ما نفت خود را با نرخ‌های بالاتری به فروش می‌رساندیم. همچنین هر میزان نفتی که تولید می‌کردیم، امکان فروش آن وجود داشت؛ چراکه عطش بازار جهانی برای خرید نفت بسیار بالا بود و به‌راحتی می‌توانستیم نفت خود را به هر مشتری که مدنظر داشتیم بفروشیم. حتی در آن مقطع، برخی مشتریان اروپایی نیز برای خرید نفت ایران پیدا شده بودند.

موسوی نژاد تأکید کرد: دریافت پول حاصل از فروش نفت نیز در برخی موارد آسان‌تر شده بود؛ زیرا به دلیل نیاز شدید بازار جهانی، می‌توانستیم شرایط و شیوه تسویه را تعیین کنیم و خریداران نیز به دلیل نیاز ضروری خود، این شرایط را می‌پذیرفتند و به سرعت نفت را خریداری می‌کردند.

همه این اتفاقات نیز در شرایط جنگی رخ داده بود.

۵۰ میلیون بشکه نفت روی آب بود

وی گفت: نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که براساس داده‌های کپلر، پیش از امضای تفاهم‌نامه، بیش از ۵۰ میلیون بشکه نفت ایران خارج از محدوده محاصره قرار داشت. به این معنا که حتی اگر یک قطره نفت هم از تنگه هرمز عبور نمی‌کرد، با فرض فروش روزانه حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت، امکان ادامه صادرات نفت کشور برای بیش از یک ماه از محل همین ذخایر شناور وجود داشت.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: بنابراین، اینکه گفته شود «کارد به استخوان رسیده بود» یا «اگر یک یا دو هفته دیگر ادامه پیدا می‌کرد، کالاهای اساسی تمام می‌شد»، با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد. حتی اگر فرض کنیم واردات کالاهای اساسی از مسیر دریا به صفر می‌رسید که در عمل چنین اتفاقی هم رخ نمی‌داد و واردات از مرزهای زمینی ادامه داشت، باز هم امکان تأمین کالاهای اساسی از مسیرهای زمینی وجود داشت؛ هرچند با هزینه بیشتر و سرعت کمتر نسبت به حمل‌ونقل دریایی.

توجیهی برای امضای تفاهم‌نامه

موسوی نژاد بیان کرد: حتی با فرض صفر شدن واردات کالاهای اساسی، کشور حداقل تا پایان شهریورماه ذخایر کافی کالاهای اساسی در اختیار داشت؛ بنابراین، اینکه گفته می‌شود یکی از مقامات ارشد کشور در جلساتی اعلام کرده بود تنها دو هفته دیگر ذخایر کالاهای اساسی در اختیار داریم، به نظر می‌رسد ناشی از یک اختلال محاسباتی بوده است؛ اختلالی که امیدوارم صرفاً خطای محاسباتی بوده باشد، نه تلاشی برای توجیه امضای تفاهم‌نامه. این کارشناس ادامه داد: بر همین اساس تلاش شد برای تفاهم‌نامه مشروعیت ایجاد شود و آن را اقدامی مثبت جلوه دهند؛ در حالی که حداقل تا پایان شهریورماه، کالاهای اساسی به میزان کافی در کشور موجود بود. موسوی نژاد با اشاره به آمار اعلامی وزارت نفت دولت پزشکیان، بیان کرد: نکته دیگر این است که اگر امروز بخوایم آمارها را به روزرسانی کنیم، با توجه به میزان صادرات نفت انجام‌شده، اکنون که حدود چهار ماه از سال گذشته و در ششم مردادماه قرار داریم، با سپری شدن تقریباً یک‌سوم سال، ۶۰ درصد کل درآمد نفتی پیش‌بینی شده برای امسال محقق شده است.

نبض اقتصاد

تسهیلات ۷۰۰ همتی؛

به نام بنگاه‌های کوچک، به کام بزرگان

پس از افزایش نرخ ارز و رشد هزینه‌های تولید در دی‌ماه سال گذشته، دولت اعلام کرد برای جلوگیری از آسیب به صنایع، بسته‌ای حمایتی شامل ۷۰۰ همت تسهیلات برای بخش صنعت و ۵۰ همت برای بخش کشاورزی اختصاص خواهد داد. هدف از این منابع، تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، حفظ اشتغال و جلوگیری از کاهش ظرفیت تولید عنوان شد؛ اما اکنون، با گذشت حدود هفت ماه، بسیاری از تولیدکنندگان همچنان از کمبود نقدینگی و دشواری در تأمین سرمایه در گردش سخن می‌گویند.

وزیر صنعت، معدن و تجارت، هفته گذشته در مراسم روز ملی صنعت و معدن، برای نخستین بار از نحوه اجرای این مصوبه پرده برداشت و گفت: «با دستور و مصوبه ابلاغی رئیس‌جمهور، تسهیلات ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته شد. براساس آخرین آمارها، تاکنون ۴۰ درصد از این منابع به بنگاه‌های هدف و مابقی به بنگاه‌های بزرگ پرداخت شده است؛ این در حالی است که بنگاه‌های بزرگ مشمول این تسهیلات نبودند.» اظهارات سیدمحمد اتابک، وزیر صمت، نشان می‌دهد منابع وعده‌داده‌شده مطابق هدف اولیه توزیع نشده و بخش عمده‌ای از اعتبارات به واحدهایی اختصاص یافته که اساساً مشمول این بسته حمایتی نبوده‌اند.

عضو هیئت‌رئیس مجلس نیز معتقد است دولت هنوز به تعهدات خود عمل نکرده است. علیرضا سلیمی گفت: دولت زمانی که قیمت ارز را افزایش داد، قول داد با تخصیص ۵۰ همت به بخش کشاورزی و ۷۰۰ همت به بخش صنعت مساعدت کند. وی افزود: واقعیت این است که براساس مشاهدات میدانی، تاکنون دولت به این وعده خود عمل نکرده و ممکن است پرداخت‌های اندکی داشته باشد، اما به تعهداتش به‌طور کامل عمل نکرده است. سلیمی گفت: تولیدکنندگان به صراحت گفته‌اند که دولت هنوز بسته‌های حمایتی را که وعده داده بود، عملیاتی نکرده است. باید بسته‌های حمایتی به‌آخرنجیره تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برسد، اما مشخص نیست که آیا این بسته‌ها به کره ماه یا به عالم برزخ فرستاده شده است؛ چرا که تولیدکنندگان از نحوه اجرای این بسته‌ها بی‌اطلاع هستند. بنابراین، دولتمردان در این زمینه نباید به سخنرانی اکتفا کنند و تنها ادعای حمایت از حوزه تولید را داشته باشند.

نایب‌رئیس اول کمیسیون صنایع و معادن مجلس نیز روایت وزیر صمت را به واقعیت نزدیک‌تر دانست و اعلام کرد: در نحوه تخصیص ۷۰۰ همت تسهیلات به حوزه تولید، آنچه وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌گوید، صحت دارد؛ چرا که از میزان اعتباراتی که به دست تولیدکنندگان و صنعتگران می‌رسد، اطلاع دارد. روح‌الله عباسپور درباره اختلاف وزارت صمت و بانک مرکزی نیز تصریح کرد: قطعاً این موضوع را در نشست آینده کمیسیون با رئیس‌کل بانک مرکزی مطرح خواهیم کرد تا این واحدها در تأمین منابع مالی با مشکلی مواجه نشوند.

صادرات ۷۰۰ میلیون دلاری نفت به هند

وزارت بازرگانی و صنعت هند، کل مبادلات تجاری این کشور با ایران در پنج‌ماهه نخست سال جاری میلادی را یک میلیارد و ۴۲۰ میلیون دلار اعلام کرده است. مبادلات تجاری ایران و هند در این دوره، نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۶۶ درصد رشد داشته است. صادرات هند به ایران در ماه‌های ژانویه تا مه ۲۰۲۶، ۱۸ درصد کاهش داشته و به ۴۷۱ میلیون دلار رسیده است؛ اما واردات هند از ایران، رشد قابل توجه ۳۴۲ درصدی داشته و به ۹۴۹ میلیون دلار رسیده است. این کشور در ماه آوریل، یک محموله ۴۳۰ میلیون دلاری و در ماه مه، یک محموله ۲۷۶ میلیون دلاری نفت از ایران وارد کرده است.

پس لرزه‌های حمله به کشتی ایرانی در خزر

هراس از پاسخ ایران

اظهارات محتاطانه و آمیخته با نگرانی زلنسکی درباره احتمال واکنش ایران به حمله اوکراین علیه یک کشتی تجاری ایرانی در دریای خزر، همزمان با هشدار صریح تهران مبنی بر اینکه این اقدام «بی‌پاسخ نخواهد ماند»، نشان می‌دهد که کی‌یف برخلاف نمایش‌های رسانه‌ای، نسبت به پیامدهای این اقدام اطمینان خاطر ندارد.

تأثیر صورت تشدید بحران، زمینه برای ورود آشکارتر کشورهای غربی به رویارویی با ایران فراهم شود. که البته برخی با توجه به حجم محدود تسلیحات اوکراین این را مطرح می‌کنند که اوکراین نگران آن است تا با این شرایط بخواهد جبهه جدیدی باز کند.

در نگاهی دیگر می‌توان گفت، این حادثه را با تحولات دریای سرخ و محاصره دریایی عربستان از سوی نیروهای یمنی مرتبط می‌دانند. مطابق این ارزیابی، حمله به کشتی ایرانی بخشی از پروژه توسعه فشار دریایی علیه ایران است؛ پروژه‌ای که با هماهنگی آمریکا و عربستان، تلاش دارد دامنه محاصره دریایی را از جنوب به شمال و دریای خزر نیز گسترش دهد و در واقع پاسخی غیرمستقیم به فشارهای یمن علیه ریاض باشد.

اما سومین و شاید قابل توجه‌ترین تحلیل، بر نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی تمرکز دارد. بر اساس این دیدگاه، هدف قرار دادن زیرساخت‌ها و منافع ایران همچنان یکی از اهداف راهبردی واشنگتن و تل‌آویو است، اما این دو بازیگر به دلیل نگرانی از پاسخ مستقیم و پرهزینه جمهوری اسلامی، از اجرای مستقیم چنین اقداماتی پرهیز کرده‌اند. از این منظر، استفاده از اوکراین به عنوان یک بازیگر نیابتی، راهکاری برای تحمیل هزینه این تقابل به کشوری است که هم‌اکنون نیز به طور روزانه زیرساخت‌های روسیه را هدف قرار می‌دهد و از نگاه طراحان این سناریو، هزینه سیاسی و امنیتی کمتری برای غرب ایجاد می‌کند. موضوعی که نشان می‌دهد در صورتی که کی‌یف بخواهد این اقدام را آغاز کند، با توجه به حجم پوشش پدافندی که در غرب متمرکز کرده است، از ناحیه جنوب بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود. لذا به همین دلیل است که نگرانی زلنسکی در مصاحبه نیز دیده می‌شود.

واکنش قاطع تهران، حمایت آشکار مسکو و در مقابل، لحن محتاطانه زلنسکی، همگی نشان می‌دهد که کی‌یف برخلاف نمایش‌های رسانه‌ای، نسبت به پیامدهای این اقدام اطمینان خاطر ندارد.

جنگ شده است. وی همچنین کره شمالی را نیز به انتقال موشک، مهمات و نیروهای نظامی به روسیه متهم کرد و مدعی شد که «به این کشورها نمی‌توان اعتماد کرد».

حمله‌ای که بی‌پاسخ نمی‌ماند

این موضع‌گیری اما بیش از آنکه نشانه اعتماد به نفس باشد، بیانگر نگرانی از گشوده شدن جبهه‌ای تازه علیه اوکراین است. جبهه‌ای که کی‌یف در شرایط فرسایشی کنونی، توان تحمل آن را ندارد. تأکید چندباره زلنسکی بر ضرورت جلوگیری از باز شدن «جبهه جدید» را پس‌یاری از ناظران به منزله اعترافی غیرمستقیم به حساسیت پیامدهای حمله به کشتی ایرانی ارزیابی کرده‌اند.

خبرگزاری رویترز به این موضوع پرداخت و عنوان کرد که در مقابل، تهران نیز واکنشی صریح و قاطع نشان داده است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در تماس‌های تلفنی جداگانه با سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، و کا‌جا کلاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، تصریح کرد که حمله به کشتی تجاری ایرانی «نمی‌تواند بی‌پاسخ بماند». به گفته مقامات ایرانی، این حمله در دریای خزر به انفجار در کشتی منجر شد که بر اثر آن یک ملوان جان خود را از دست داد و یک نفر دیگر نیز زخمی شد.

در همین حال، سه سناریو و یا تحلیل عمده درباره انگیزه واقعی حمله اوکراین به کشتی ایرانی مطرح شده است. تحلیل‌هایی که هریک بخشی از پازل این رخداد را ترسیم می‌کنند.

راهبرد ناتو در خدمت آمریکا

نخستین دیدگاه بر این باور است که حمله اخیر را باید در چارچوب راهبرد گسترده تر ناتو برای کشاندن ایران به عرصه تقابل مستقیم ارزیابی کرد. بر اساس این نگاه، اوکراین به عنوان خط مقدم عملیاتی ناتو، مأموریت یافته دامنه تنش را گسترش دهد



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

حمله اوکراین به یک کشتی تجاری ایرانی در دریای خزر، تنها یک عملیات محدود دریایی نبود. اقدامی که اکنون به یکی از مهم‌ترین محورهای تنش میان تهران و کی‌یف تبدیل شده و موجی از تحلیل‌ها درباره اهداف واقعی آن به راه انداخته است. در حالی که مواضع کشورمان نشان می‌دهد که این حمله را بی‌پاسخ نمی‌گذارد، صحبت‌های اخیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، بیش از هر چیز از نگرانی کی‌یف نسبت به تبعات این ماجراجویی حکایت دارد.

خبرگزاری اوکراینی «اوکراینسکا پراودا» متن پاسخ زلنسکی به پرسشی درباره احتمال واکنش ایران را منتشر کرد. پاسخی که لحن آن بیش از آنکه تهاجمی باشد، رنگ و بوی احتیاط و نگرانی داشت. زلنسکی گفت: «ما باید محتاط باشیم. باید هر کاری بکنیم که به هیچ وجه جبهه جدیدی باز نشود. امیدوارم حملات ایران افزایش پیدا نکند، اما باید برای همه چیز آماده باشیم».

این سخنان در شرایطی بیان شد که خبرنگار از او درباره احتمال حمله ایران پس از حمله اخیر اوکراین به کشتی ایرانی در دریای خزر سؤال کرده بود. با این حال، زلنسکی به جای پرداختن به اصل ماجرا، تلاش کرد با ادعای همکاری‌های نظامی تهران و مسکو، اقدام اوکراین را توجیه کند. او مدعی شد ایران از همان سال نخست جنگ با ارسال پهپادهای شاهد و اعطای مجوز تولید آنها به روسیه، عملاً علیه اوکراین وارد



کی‌یف نیروی نیابتی جدید آمریکا

در بررسی سناریویی از اهداف حمله کی‌یف، هدف قرار دادن منافع ایران یکی از اهداف راهبردی واشنگتن و تل‌آویو است، اما این دو بازیگر به دلیل نگرانی از پاسخ پرهزینه ایران، از اجرای مستقیم چنین اقداماتی پرهیز کرده‌اند. از این منظر، استفاده از اوکراین به عنوان یک بازیگر نیابتی، راهکاری برای تحمیل هزینه این تقابل به کشوری است که هم‌اکنون نیز به طور روزانه زیرساخت‌های روسیه را هدف قرار می‌دهد.

یادداشت

دود حملات یمن در چشم عربستان

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

یمن این روزها دیگر صرفاً از «تهدید» سخن نمی‌گوید بلکه معادله را به میدان کشانده است. حملات پهپادی روز گذشته نیروهای مسلح یمن به خطوط انتقال نفت و مراکز حساس تأمین انرژی عربستان، نشان می‌دهد صنعا مرحله جدیدی از نبرد را آغاز کرده است. مرحله‌ای که هدف آن، انتقال هزینه‌های جنگ و محاصره از مردم یمن به اقتصاد و زیرساخت‌های عربستان است. هرچند ریاض همچنان می‌کوشد ابعاد این حملات را پنهان کند، اما ستون‌های دود برخاسته از تأسیسات نفتی و انتشار تصاویر آن در فضای رسانه‌ای، روایت رسمی سعودی را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است.

سرتیپ «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن با اعلام هدف قرار گرفتن نقاط حساس انتقال نفت خام از شرق عربستان به بندر ینع تأکید کرد این عملیات پاسخی مستقیم به ادامه تجاوزات و نقض حریم هوایی یمن توسط پهپادهای سعودی بوده است. این حملات تنها یک اقدام نظامی نبود بلکه حامل پیامی روشن برای ریاض بود که دوران مصونیت زیرساخت‌های اقتصادی عربستان به پایان رسیده است.

در همین چارچوب، هشدار صریح وزارت خارجه یمن نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. صنعا اعلام کرده تا زمانی که محاصره یمن ادامه داشته باشد، عربستان باید خود را برای مجازاتی شدید آماده کند. تأکید بر اینکه «فرودگاه ریاض باید همان وضعیتی را داشته باشد که فرودگاه صنعا دارد» و «بندر ینع و جیزان باید سرنوشتی مشابه بندر الحدیده پیدا کنند»، نشان می‌دهد یمن سیاست مقابله به مثل را از سطح شعار به مرحله اجرا رسانده است.

شواهد میدانی نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. خبرگزاری رویترز گزارش داده است که پس از حملات یمن به تأسیسات آرامکو در ینع و جیزان، تردد کشتی‌ها از تنگه باب‌المندب به پایین‌ترین سطح خود در ماه‌های اخیر رسیده و تنها ۱۱ شناور کالایی از این گذرگاه عبور کرده‌اند. همزمان، قیمت محموله‌های نفتی در خاورمیانه، اروپا و آفریقا افزایش یافته و اختلال در مسیرهای دریایی، بازار انرژی را تحت تأثیر قرار داده است. این یعنی حتی اگر ریاض درباره میزان خسارات سکوت کند، واکنش بازار جهانی و کاهش محسوس تردد دریایی، از موفقیت عملیات یمن پرده برمی‌دارد.

اقتصاد سعودی بر صادرات بی‌وقفه نفت و اطمینان سرمایه‌گذاران استوار است و هر حمله موفق به خطوط انتقال انرژی، این تصویر را مخدوش می‌کند. به همین دلیل نیز ریاض ترجیح می‌دهد با سانسور خبری و کم‌اهمیت جلوه دادن حملات، مانع از گسترش نگرانی در بازارهای جهانی شود.

اما دود برخاسته از تأسیسات نفتی را نمی‌توان سانسور کرد. همان‌گونه که کاهش تردد کشتی‌ها در باب‌المندب و افزایش قیمت نفت را نیز نمی‌توان انکار کرد. یمن با این عملیات نشان داده است که اگر محاصره ادامه یابد، معادله جنگ از آسمان صنعا به قلب شریان‌های انرژی عربستان منتقل خواهد شد. معادله‌ای که این بار نه با بیانیه‌های رسمی ریاض، بلکه با ستون‌های دود و اختلال در بازار جهانی نفت روایت می‌شود.

یادداشت

وقتی «امنیت ملی» قربانی بی‌سوادی راهبردی می‌شود

امیرشهبانی
روزنامه‌نگار

یکی از بحث‌برانگیزترین پدیده‌های ماه‌ها و سال‌های اخیر، مواضع و رفتار افرادی است که پیش‌تر مسئولیت‌های مهمی در حوزه سیاست خارجی، امنیت ملی و ساختارهای تصمیم‌گیری کشور داشته‌اند؛ افرادی که اکنون نه تنها بی‌اعتقادی کامل خود به اصول انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی و رهبری شهید را فریاد می‌زنند، بلکه با مواضعی ساده‌لوحانه، گاه ضد امنیت ملی و حتی فاقد ابتدایی‌ترین مبانی علم روابط بین‌الملل، عملاً به بلندگوی روایت دشمن تبدیل شده‌اند.

نمونه روشن این وضعیت، حشمت‌الله‌اح‌پیش‌ه است؛ فردی که سابقه ریاست کمیسیون امنیت ملی مجلس را در کارنامه دارد. سخنان توهین‌آمیز او درباره رهبری شهید، تنها یک موضع سیاسی متفاوت نیست؛ بلکه نشانه‌ای از فهم صفر اواز مفاهیمی همچون بازدارندگی، موازنه قدرت و «موازنه از راه دور» است. او با ادبیاتی که عمق ساده‌لوحی‌اش در فهم علم روابط بین‌الملل را آشکار می‌کند، مدعی شده است: «شما گفتید اگر در لبنان و فلسطین جنگیم، باید در کرمانشاه و تهران بجنگیم؛ من معتقدم کسی که چنین سخنی را مطرح می‌کند، در پی ایجاد فتنه‌ای تحت عنوان تداوم جنگ برای کشور است» این تحلیل، اگر از سوی یک کاربر عادی شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شد، شاید صرفاً یک برداشت سیاسی نادرست تلقی می‌شد؛ اما از زبان رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی، مسئله‌ای بسیار جدی‌تر است. آیا اساساً گوینده درکی از نقش عمق راهبردی، بازدارندگی پیش‌دستانه و جلوگیری از انتقال تهدید به مرزهای کشور دارد؟

نمونه دیگر، محمد مهدی شهریار است؛ فردی که در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه تحصیل کرده، سابقه ارشد دیپلماتیک و استانداری دارد و اکنون عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس است، اما در مواضع خود حتی بدیهیات این رشته را نیز نمی‌داند. از موازنه قدرت و ذات شرارت‌بار نظام بین‌الملل درک روشنی ندارد و حتی مفهوم تسلیحاتی کردن وابستگی کشورها (Weaponized interdependence) را نیز نمی‌فهمد؛ همان ابزاری که آمریکا با تحریم، بارها برای اعمال فشار استفاده کرده‌اند و ایران نیز در بحران‌های اخیر با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی خود، از جمله در تنگه هرمز، نشان داد وابستگی متقابل می‌تواند به ابزار قدرت تبدیل شود.

رفتار و ادبیات شهریار در مناظره با امیرحسین ثابتی نیز فراتر از یک اختلاف سیاسی بود. ادبیاتی زشت و زننده و مواضعی که تلویحاً اصول انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های امام خمینی و رهبری شهید را در جایگاه «تندروی» قرار می‌دهد، این پرسش را ایجاد می‌کند که اساساً معیارهای فکری و اعتقادی برای حضور در ساختارهای حساس کشور چیست.

توهمین‌ها به رهبری شهید از سوی کسانی که تمام زندگی سیاسی خود را از جمهوری اسلامی گرفته‌اند زنگ خطری جدی درباره معیارهای گزینش، ارزیابی امنیتی و سازوکار تربیت نیرو در ساختارهای سیاسی و سیاست خارجی کشور است.

ترامپ را با ماشین حساب نمی‌شود فهمید؛ پادزهر تهدیدهای واشنگتن چیست؟

پادزهر طراحی ترامپ

تصویرسازی دونالد ترامپ از حمله به خاگ، بیش از آنکه یک تهدید نظامی معمولی باشد، بخشی از الگوی رفتاری رئیس‌جمهور آمریکا در مواجهه با ایران است؛ الگویی که بر تحریک، ارباب و بهره‌گیری از نقاط ضعف روانی

و سیاسی طرف مقابل بنا شده است. مسئله اصلی اما اینجاست: آیا تهران همچنان باید ترامپ را بازیگری عقلانی بداند که بر اساس محاسبه هزینه و فایده تصمیم می‌گیرد؟ شواهد، پاسخ منفی می‌دهد.



محسن فرهنگند

روزنامه‌نگار

آغاز اشتباه محاسبانی

این همان نقطه‌ای است که باید در تهران مورد توجه قرار گیرد. سال‌ها سیاست صبر استراتژیک و پرهیز از واکنش‌های سنگین‌تر با این امید که از وقوع جنگ جلوگیری شود که از ترور شهید سلیمانی شروع شد، در نهایت نتوانست جنگ را منتفی کند. تحریم‌ها نیز متوقف نشدند. بنابراین، این تصور که عقب‌نشینی، خویشتنداری یا ارسال پیام‌های مکرر درباره آمادگی برای مذاکره می‌تواند به تهیای واشنگتن را از طراحی فشارهای بعدی منصرف کند، با تجربه سال‌های گذشته سازگار نیست. البته معادله «چشم در برابر چشم» نیز لزوماً کافی نیست. پاسخ محدود به هر حمله، اگر برای طرف مقابل قابل پیش‌بینی و قابل تحمل باشد، ممکن است به جای بازدارندگی، به بخشی از محاسبات دشمن تبدیل شود. پانک مؤثر به روش ترامپ و پادزهر نقشه شیطانی ترامپ و نتانیا‌هو، در چنین شرایطی، باید بر اساس خروج ایران از پیش‌بینی‌پذیری سنتی شکل بگیرد؛ یعنی اقدامی که ترامپ، اسرائیل و محاسبه‌گران نظامی آمریکا آن را در الگوی معمول واکنش ایران پیش‌بینی نکرده باشند. کنترل تنگه هرمز یک مثال ناقض ولی کارآمد از این موضوع است.

به همین دلیل، منطق راهبردی جدید باید بر این فرض استوار باشد که آمریکا در هر گام، خود را برای موج بعدی فشار آماده می‌کند. پاسخ باید به گونه‌ای باشد که هزینه ادامه مسیر را برای واشنگتن به شدت افزایش دهد، نه اینکه تنها به مدیریت همان مرحله از بحران محدود بماند. تهدید ترامپ علیه خاگ نیز دقیقاً از همین منظر قابل تحلیل است. بازار انرژی در آستانه انفجار قیمت قرار دارد و این مسئله می‌تواند به یکی از حساس‌ترین نقاط آسیب‌پذیری دولت آمریکا و جمهوری خواهان تبدیل شود. تجربه جنگ‌های منطقه‌ای نشان داده است که وقتی فشار نظامی مستقیم به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، تهدید زیرساخت‌های انرژی به ابزار فشار تبدیل می‌شود. ترامپ زمانی که با موشک، بمب افکن، جنگنده

آچمز ترامپ

ترامپ زمانی از حمله به زیرساخت‌های ایران سخن می‌گوید که تصور می‌کند پاسخ تهران قابل کنترل و تحمل است. بنابراین، مسئله اصلی نه صرفاً پاسخ به هر حمله، بلکه تغییر بنیادین محاسبه دشمن است. بازدارندگی کامل از همین منظر اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا حتی مخالفان ایران در آمریکا و اسرائیل نیز می‌دانند که کشور به چنین سطحی از بازدارندگی برسد، دیگر با تهدیدهای معمول، حملات محدود یا فشارهای مرحله‌ای قابل مدیریت نخواهد بود.

در این میان، آنچه طی ماه‌های اخیر از سوی مقام‌ها و تحلیلگران آمریکایی و اسرائیلی و همچنین برخی تحلیلگران روس، به عنوان عامل «آچمزکننده» آمریکا مطرح شده، اهمیت ویژه‌ای دارد: «بازدارندگی اتمی». حتی ترامپ و مارکو روباو نیز در مواضع مختلف، بردشواوری مواجهه با کشوری تأکید کرده‌اند که از سطحی از بازدارندگی اتمی برخوردار باشد که گزینه‌های نظامی علیه آن را پرهزینه و غیرقابل پیش‌بینی کند. ترامپ حتی اینگونه گفت که اگر ایران هسته‌ای شود باید با لفظ جناب (آقا) خطابشان کنیم. ترامپ دلش برای مردم ایران نسوخته است. نگرانی اواز هژمونی اقتصادی آمریکا، بازار انرژی و نظام پترو دلار مربوط است. همین جا نقطه‌ای است که ایران باید معادله را تغییر دهد: نه با واکنش‌های قابل پیش‌بینی، بلکه با ایجاد سطحی از بازدارندگی که هرگونه حمله به ایران را به قمار غیرقابل محاسبه برای آمریکا تبدیل کند.

در نهایت اگر آمریکا بداند هر اقدامش با واکنشی محدود، قابل مدیریت و قابل پیش‌بینی مواجه می‌شود، تهدید ادامه خواهد یافت. اما اگر بداند هر قدم خصمانه می‌تواند تمام محاسبات منطقه‌ای، انرژی و امنیتی آن را به هم بریزد، آنگاه شاید برای نخستین بار هزینه و فایده واقعی جنگ را محاسبه کند.

یادداشت

ورزش یا شبیخون فرهنگی؟

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

آنچه این روزها در برخی پارک‌های تهران و حتی دیگر استان‌ها، تحت عنوان «ورزش» در حال وقوع است، نمونه دیگری از قبح‌زدایی و هنجارشکنی علنی در سایه غفلت مسئولان فرهنگی است. درواقع با پدیده‌ای مواجهیم که از رقاصی و حرکات موزون تا پوشش‌های زننده و حتی برهنگی پیش می‌رود و در کمال تعجب، همچنان با برچسب ورزش و با افتخار به جامعه عرضه می‌شود. تصاویری که از برخی این برنامه‌ها منتشر شده، به اندازه‌ای زننده و خلاف اخلاق عمومی است که اساساً دیدن آن‌ها حتی در کنار اعضای خانواده نیز موجب وهن خانواده است؛ اما ظاهراً مسئولان مربوطه نه تنها دغدغه‌ای برای توقف این روند ندارند، بلکه اساساً ترجیح داده‌اند صورت مسئله را پاک کنند.

تحریف مفهوم ورزش برای مشروعیت بخشی به رفتاری که در هیچ چارچوبی با اخلاق عمومی و شئون اسلامی سازگار نیست، نامش مدیریت نیست. نمی‌توان هر تجمعی را با پخش موسیقی، حرکات موزون، رقاصی و پوشش‌های خارج از چارچوب، صرفاً به این دلیل که چند حرکت بدنی هم در آن انجام می‌شود، «ورزش» نامید و از نظارت قانونی و فرهنگی معاف کرد. اگر چنین باشد، هر نوع ابتذال و هنجارشکنی می‌تواند با یک عنوان فریبنده از زیر بار مسئولیت فرار کند و سرجامه کاله بگذارد.

آنچه امروز در پارک‌ها رخ می‌دهد، نتیجه مستقیم رهاشدگی عرصه فرهنگ و غفلت نهاد‌های مسئول است. جامعه در حال تحمل یک شبیخون فرهنگی و دینی تمام عیار است؛ شبیخونی که اثرات بلند مدت آن منجر به فروپاشی اخلاق و سلامت خانواده خواهد شد و به مراتب از حملات نظامی به ایران خطرناک‌تر است.

عادی‌سازی رقاصی، برهنگی، بی‌حیایی و عبور تدریجی از خطوط قرمز دین و شریعت در روز روشن انجام می‌شود و آب‌از‌آب‌تکان نمی‌خورد. اگر قرار است متولیان فرهنگ و نهادهایی که در خصوص فرهنگ بودجه دریافت می‌کنند فقط در این وضعیت نظاره‌گر باشند پس ضرورت وجودی‌شان در چه چیزی است؟

واقعیت را باید صریح و بی‌تعارف بیان کرد: تمام این برنامه‌ها و دورهمی‌ها هیچ سنخیتی با شریعت، اخلاق عمومی و فرهنگ ایرانی-اسلامی ندارد. جامعه‌ای که در آن حیا به وسیله قبح‌زدایی از بین برود، دیر یا زود بخش مهمی از هویت خود را از دست خواهد داد و سرنوشت محتومش زوال است.

از تحریف تاریخی تا ابتذال عرفان

نزدیک شود، آن‌ها را در قالب یک درام پرزرق و برق و سطحی بازتولید کرد. مشکل اصلی فیلم این بود که آنچه به جای تاریخ و فرهنگ می‌نشانند، نوعی تصویرسازی عامه‌پسند، تحریف‌شده و گاه ضدفرهنگی از سنت عرفانی ما بود.



به یک جادوگر فرو می‌کاهد. مولانا نیز در فیلم از سرنوشتی مشابه رنج می‌برد. تحول او، که باید مهم‌ترین و پیچیده‌ترین لایه فیلم باشد، اما بیشتر به یک تغییر عاطفی و نمایشی تقلیل پیدا می‌کند. در حالی که دگرگونی مولانا در سنت عرفانی، حادثه‌ای عمیق، دردناک، و آمیخته با بحران هویت، جایگاه اجتماعی و سلوک درونی است، اما فیلم این فرآیند را بیش از حد ساده می‌کند. همین‌جا می‌توان رد همان نگاه موجود در «دولت عشق» را دید: نگاهی که عرفان را به صورت هیجان روحی معرفی می‌کند.

این رویکرد نه تنها فرهنگی نیست و جای خوشحالی ندارد که ما پس از سالها به مولانا پرداخته‌ایم، بلکه ضدفرهنگی است. وقتی عرفان به چند جمله قصار، چند نگاه پرمعنا، چند تصویر زیبا و مقداری موسیقی سوزناک فروکاسته می‌شود، با مصرف فرهنگ روبه‌رو هستیم. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که «مست عشق» از یک فیلم تاریخی یا عرفانی به یک کالای فرهنگی کم‌عمق تبدیل می‌شود.

در نهایت، «مست عشق» را باید فیلمی دانست که از سرمایه نمادین شمس و مولانا استفاده می‌کند، بی آن که بتواند حق این میراث را ادا کند. اگر این فیلم را در امتداد آثاری مانند «دولت عشق» ببینیم، مسئله روشن‌تر می‌شود: ما با جریان‌های مواجهیم که عرفان ایرانی را از بستر فکری و تاریخی‌اش جدا می‌کند، آن را به داستانی احساساتی و رازآلود تقلیل می‌دهد، و سپس همین نسخه ساده‌شده را به عنوان «معنویت» به مخاطب عرضه می‌کند.

این کالا در شکل‌های مختلف به بازار عرضه می‌شود و چند روز دیگر قرار است این بار در قالب مینی سریال به بازار فرستاده شود.

فیلم «مست عشق» - که حالا اخباری درباره انتشار مینی‌سریال‌ش شنیده می‌شود - قرار بود روایتی باشکوه، شاعرانه و عرفانی از شمس تبریزی و مولانا ارائه دهد، اما در عمل به اثری تبدیل شد که بیش از آن که به عمق تاریخی، فکری و فرهنگی این دو چهره

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

یکی از مهم‌ترین محورهای نقد فیلم «مست عشق»، نسبت آن با منبع الهامش یعنی رمان ترکی و سطحی «دولت عشق» است. «دولت عشق» برای بسیاری از خوانندگان و منتقدان، نمونه‌ای از مواجهه‌ای سطحی، احساس‌زده و شبه عرفانی با رابطه شمس و مولانا است؛ روایتی که به جای فهم پیچیدگی‌های تاریخی، زبانی و معرفتی این نسبت، آن را به یک داستان پرکشش عاطفی آماده مصرف تقلیل می‌دهد. اگر «مست عشق» را در امتداد همین نوع نگاه ببینیم، ایرادهای آن روشن‌تر می‌شود: فیلم نیز مانند چنین متونی، به جای آن که با جهان فکری مولانا و شمس درگیر شود، بیشتر از هاله جذابیت بازارپسند آن‌ها استفاده می‌کند.

از نظر تاریخی، فیلم تصویری نادقیق و ساده‌شده از جهان شمس و مولانا ارائه می‌دهد. درباره این دو شخصیت، طبعاً با ابهام‌ها و روایت‌های گوناگون مواجهیم، اما این ابهام‌ها نباید بهانه‌ای برای هر نوع تخیل سطحی و بی‌ضابطه باشند. این غیرتاریخی بودن در همه ابعاد «مست عشق» دیده می‌شود؛ تا جایی که حتی به معماری آن دوره توجه نشده و لباس‌ها و بناهای فیلم، اغلب متعلق به دوره عثمانی هستند! آن‌هم چندین قرن قبل از تاسیس امپراطوری عثمانی.

این سطحی‌سازی به ویژه در شخصیت‌پردازی شمس نیز کاملاً مشهود است. شمس تبریزی در سنت تاریخی و عرفانی، شخصیتی دشوار، تند، چندلایه و حتی آزاردهنده است؛ کسی که نمی‌توان او را به سادگی در قالب یک «عارف جذاب» خلاصه کرد. اما فیلم او را تا حد زیادی

یادداشت

اعتراض خواننده آمریکایی به جنگ با ایران

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

کیتی پری به استفاده از ترانه «Firework» در ویدئویی منتسب به کاخ سفید، اعتراض کرد و گفت نمی‌خواهد از کارهای او علیه ایران استفاده شود. این ترانه از شناخته‌شده‌ترین آثار کیتی پری است و در ذهن مخاطبان، با مفاهیمی چون امید، اعتماد به نفس، رهایی فردی و همدلی پیوند خورده است. به همین دلیل، قرار گرفتن آن بر تصاویر مربوط به حملات نظامی یا نمایش قدرت جنگی علیه ایران، از نگاه او نوعی تحریف آشکار معنای اثر به شمار می‌آید.

پری در موضع‌گیری خود تأکید کرده که هرگز اجازه چنین کاری را نداده است. این نکته اهمیت زیادی دارد، چون استفاده از موسیقی در محتوای سیاسی یا نظامی، معمولاً این تصور را به وجود می‌آورد که صاحب اثر با پیام آن همراه است. به بیان دیگر، اعتراض او فقط به پخش بدون مجوز یک آهنگ محدود نمی‌شود، بلکه به مصادره معنایی اثرش برای توجیه یا تزیین یک روایت جنگی مربوط است. جمله کلیدی او که موسیقی‌اش برای نزدیک کردن مردم به یکدیگر ساخته شده، نه برای جشن گرفتن جنگ، دقیقاً نشان می‌دهد که مسئله اصلی، تقابل میان هنر و خشونت است. این اتفاق البته در آمریکایی سابقه نیست و دونالد ترامپ طی سال‌های گذشته بارها با اعتراض هنرمندان به دلیل استفاده از آثارشان یا به دلیل سیاست‌های تهاجمی‌اش مواجه شده است. نیل یانگ بارها به پخش آثارش در تجمع‌های ترامپ اعتراض کرد و حتی شکایت حقوقی او مطرح شده است. گروه رولینگ استونز نیز هشدار داد که استفاده از ترانه‌هایشان در برنامه‌های ترامپ باید متوقف شود.

ریانا، ادل، فارل و ویلیامز، آر.ای.ام و بیروس اسپرینگستین هم در مقاطع مختلف مخالفت خود را با استفاده سیاسی از موسیقی‌شان اعلام کردند. در ماجرای جنگ با ایران نیز چهره‌هایی مانند رز مک‌گوان، مایکل مور و کاردی بی آشکاراً از سیاست‌های جنگ طلبانه ترامپ انتقاد کردند و هشدار دادند که چنین تصمیم‌هایی می‌تواند منطقه و حتی شهروندان آمریکایی را در معرض خطر قرار دهد. در مجموع، اعتراض کیتی پری را باید در ادامه همین سنت گسترده تردید؛ مقاومت هنرمندان در برابر آنچه تلاش برای پیوند دادن نام و اثرشان با جنگ، ملی‌گرایی تهاجمی و بهره‌برداری سیاسی از هنر می‌دانند.

دریایی سپاه می‌پردازد. طبق گزارش‌های منتشرشده، این اثر علاوه بر روایت فرازهایی از عملکرد تنگسیری، راهبردهای کلیدی مورد تأکید رهبر شهید انقلاب برای توسعه نیروی دریایی سپاه را هم واکاوی می‌کند؛ از جمله تقویت توان دریایی، متحرک‌سازی یگان‌ها، حرکت به سمت اقیانوسی شدن و بهره‌گیری از ظرفیت تنگه هرمز به عنوان عامل بازدارنده در برابر تهدیدهای فرامنطقه‌ای. همچنین گفته شده مرحله نخست تصویربرداری به پایان رسیده و تدوین مستند با استفاده از آرشیو اختصاصی آغاز شده است.

بشیرادهمی مدیر تولید، احسان مؤذن مشاور و ناظر پروژه و حسین قنبری مدیر تصویربرداری این مستند هستند. مرادیان پیش‌تر هم آثاری مانند «سلاح ایرانی»، «هرمز؛ روایت یک تنگه» و «اشغال جزایر» را در همین حوزه ساخته بود. زمان پخش نهایی مستند هنوز اعلام نشده است.



مستند «فرمانده هرمز» به کارگردانی داوود مرادیان و محصول گروه مستند بنیاد فرهنگی روایت فتح، این روزها مراحل پس‌تولید را پشت سر می‌گذارد و به دوران فرماندهی دریابان شهید علیرضا تنگسیری در نیروی

دوران فرماندهی
سردار تنگسیری
در سپاه
«مستند»
می‌شود